

چهل حدیث از امام حسن عسکری (علیه السلام)

<?xml encoding="UTF-8?">



1- پرهیز از جدال و شوخی :

«لَا تُمَارِ فَيَذْهَبَ بِهَاؤُكَ وَ لَا تُمَارِخْ فَيُجْتَرَأَ عَلَيْكَ»:

جدال مکن که ارزشت می‌رود و شوخی مکن که بر تو دلیر شوند.

(تحف العقول ص 486)

2- تواضع در نشستن :

«مَنْ رَضِيَ بِدُونِ الشَّرَفِ مِنَ الْمَجْلِسِ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يَقُومَ»:

هر که به پایین نشستن در مجلس خشنود باشد، پیوسته خدا و فرشته‌ها بر او رحمت فرستند تا برخیزد.

(تحف العقول ص 486)

3- هلاکت در ریاست و افشاگری :

«دَعْ مَنْ ذَهَبَ يَمِينًا وَ شِمَالًا، فَإِنَّ الرَّاعِيَ يَجْمَعُ غَنَمَهُ جَمْعَهَا بِأَهْوَنِ سَعْيٍ وَ إِيَّاكَ وَ الْأَذَاعَةَ وَ طَلَبَ الرِّيَاسَةِ، فَإِنَّهُمَا يَدْعُوَانِ إِلَى الْهَلَكَةِ»:

آن که را به راست و چپ رود واگذار! به راستی چوپان، گوسفندانش را به کمتر تلاشی گرد آورَد. مبدا اسرار را فاش کرده و سخن پراکنی کنی و در پیریاست باشی، زیرا این دو، آدمی را به هلاکت میکشانند.
(الخرائج والجرائح: 449 ح 35 وعن الدلائل فی کشف الغمّة: 3/206، 207)

4- گناهی که بخشوده نشود :

«مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي لَا تُغْفَرُ : لَيْتَنِي لَا أُؤَاخِذُ إِلَّا بِهَذَا. ثُمَّ قَالَ: الْإِشْرَاكُ فِي النَّاسِ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى الْمَسْحِ الْأَسْوَدِ فِي اللَّيْلَةِ الْمُظْلِمَةِ»:

از جمله گناهانی که آمرزیده نشود این است که (آدمی) بگوید: ای کاش مرا به غیر از این گناه مؤاخذه نکنند. سپس فرمود: شرک در میان مردم از جنبش مورچه بر روپوش سیاه در شب تار نهانتر است.

5- نزدیکتر به اسم اعظم :

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَقْرَبُ إِلَى اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ سَوَادِ الْعَيْنِ إِلَى بَيَاضِهَا»:
«بسم الله الرحمن الرحيم» به اسم اعظم خدا، از سیاهی چشم به سفیدی اش نزدیکتر است.
(عیون اخبار الرضا ج 2، ص 5، ح 1)

6- دوستی نیکان و دشمنی بدان :

«حُبُّ الْأَبْرَارِ لِلأَبْرَارِ ثَوَابٌ لِلأَبْرَارِ، وَ حُبُّ الْفُجَّارِ لِلأَبْرَارِ فَضِيلَةٌ لِلأَبْرَارِ، وَ بُغْضُ الْفُجَّارِ لِلأَبْرَارِ زَيْنٌ لِلأَبْرَارِ، وَ بُغْضُ الْأَبْرَارِ لِلْفُجَّارِ خِزْيٌ عَلَى الْفُجَّارِ»:

دوستی نیکان به نیکان، ثوابست برای نیکان. و دوستی بدان به نیکان، فضیلت است برای نیکان. و دشمنی بدان با نیکان، زینت است برای نیکان. و دشمنی نیکان با بدان، رسوایی است برای بدان.
(تحف العقول ، ص 517)

7- سلام نشانه تواضع :

«مِنَ التَّوَاضُّعِ السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مَنْ تَمَرُّ بِهِ، وَ الْجُلُوسُ دُونَ شَرَفِ الْمَجْلِسِ»:

از جمله تواضع و فروتنی، سلام کردن بر هر کسی است که بر او میگذری، و نشستن در پایین مجلس است.
(بحار الانوار 75/372)

8- خنده بیجا :

«مِنَ الْجَهْلِ الضَّحْكُ مِنْ غَيْرِ عَجَب»:

خنده بیجا از نادانی است.

(تحف العقول ص 487 - کافی ج 2 ، ص 664)

9- همسایه بد :

«مِنَ الْفَوَاقِرِ الَّتِي تَقْصِمُ الظَّهَرَ جَارٌ إِنْ رَأَى حَسَنَةً أَطْفَأَهَا وَ إِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَفْشَاهَا.»:

از بلاهای کمرشکن، همسایه ای است که اگر کردار خوبی را ببیند نهانش سازد و اگر کردار بدی را ببیند آشکارش نماید.

(تحف العقول ، ص 517، بحار الانوار، ج75، ص372، ح11)

10- پندی گویا و جامع :

«أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَ الْإِجْتِهَادِ لِلَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ وَ طَوْلِ السُّجُودِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ. فَبِهَذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه وآله وسلم) صَلُّوا فِي عَشَائِرِهِمْ وَ اشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ وَ عُوذُوا مَرْضَاهُمْ وَ أَدُّوا حُقُوقَهُمْ، فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَ صَدَقَ فِي حَدِيثِهِ وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَ حَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ: هَذَا شَيْعِي فَيَسُرُّنِي ذَلِكَ. ائْتَقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا زَيِّيًا وَ لَا تَكُونُوا شَيِّئًا، جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَ ادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ، فَإِنَّهُ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حَسَنٍ فَنَحْنُ أَهْلُهُ وَ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ.»:

«لَنَاحِقُ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ قَرَابَةِ مَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَ تَطْهِيرُ مَنْ اللَّهِ لَا يَدَّعِيهِ أَحَدٌ غَيْرُنَا إِلَّا كَذَّابٌ. أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَ ذَكَرُوا

الْمَوْتِ وَ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ،
إِحْفَظُوا مَا وَصَّيْتُكُمْ بِهِ وَ اسْتَوْدِعْكُمْ اللَّهُ وَ أَقْرَأْ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ.»:

شما را به تقوای الهی و پارسایی در دینتان و تلاش برای خدا و راستگویی و امانتداری درباره کسی که شما را امین دانسته نیکوکار باشد یا بدکار و طول سجود و حُسن همسایگی سفارش میکنم. محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) برای همین آمده است. در میان جماعت های آنان نماز بخوانید و بر سر جنازه آنها حاضر شوید و مریضانشان را عیادت کنید. و حقوقشان را ادا نمایید، زیرا هر یک از شما چون در دینش پارسا و در سخنش راستگو و امانتدار و خوش اخلاق با مردم باشد، گفته میشود: این یک شیعه است، و این کارهاست که مرا خوشحال میسازد.

تقوای الهی داشته باشید، مایه زینت باشید نه زشتی، تمام دوستی خود را به سوی ما بکشانید و همه زشتی را از ما بگردانید، زیرا هر خوبی که درباره ما گفته شود ما اهل آنیم و هر بدی درباره ما گفته شود ما از آن به دوریم. در کتاب خدا برای ما حقّ و قرابتی از پیامبر خداست و خداوند ما را پاک شمرده، احدی جز ما مدّعی این مقام نیست، مگر آن که دروغ میگوید.

زیاد به یاد خدا باشید و زیاد یاد مرگ کنید و زیاد قرآن را تلاوت نمایید و زیاد بر پیغمبر (صلى الله عليه وآله وسلم) سلام و تحیت بفرستید. زیرا صلوات بر پیامبر خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) ده حسنه دارد. آنچه را به شما گفتم حفظ کنید و شما را به خدا میسپارم، و سلام بر شما.

(بحار الانوار-جلد 75 -صفحه 372 باب 29)

11- اندیشه در کار خدا :

«لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّيَامِ وَ الصَّلَاةِ وَ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ.»:

عبادت کردن به زیادی روزه و نماز نیست، بلکه (حقیقتِ) عبادت، زیاد در کار خدا اندیشیدن است.
(تحف العقول، ص 448)

12- پلیدی خشم :

«الْعَضْبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ»:

خشم و غضب، کلید هر گونه شرّ و بدی است.
(تحف العقول، ص 581، کافی، ج 2 ص 303)

13- ویژگی های شیعیان :

«شِيعَتُنَا الْفِئَةُ النَّاجِيَةُ وَالْفِرْقَةُ الزَّكِيَّةُ صَارُوا لَنَا رَادِّيًا وَصَوْنًا وَ عَلَى الظُّلْمَةِ أَلْبَا وَ عَوْنًا سَيَفْجُرُ لَهُمْ يَنَابِيعُ الْحَيَاوَانِ بَعْدَ لَظِي مُجْتَمَعِ النَّيْرَانِ أَمَامَ الرُّوْضَةِ»:

پیروان ما، گروه های نجات یابنده و فرقه های پاکی هستند که حافظان (آیین) مایند، و ایشان در مقابل ستمکاران، سپر و کمک کار ما (هستند). به زودی چشمه های حیات (منجی بشریت) بعد از گدازه توده های آتش! پیش از ظهور برای آنان خواهد جوشید.

(بحار الانوار، علامه مجلسی، ج75، ص378، ط بیروت)

14- نا آرامی کینه توز :

«أَقْلُ النَّاسِ رَاحَةً الْحُقُودُ»:

کینه توز ، نا آرامترین مردمان است.

(تحف العقول ، ص 519، بحار الانوار، علامه مجلسی، ج75، ص373، ط بیروت)

15- پارساترین مردم :

«أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ، أَعْبَدُ النَّاسِ مَنْ أَقَامَ عَلَى الْفَرَائِضِ أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْحَرَامَ، أَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَادًا مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ»:

پارساترین مردم کسی است که در هنگام شبهه توقف کند. عابدترین مردم کسی است که واجبات را انجام دهد. زاهدترین مردم کسی است که حرام را ترک نماید. کوشنده ترین مردم کسی است که گناهان را رها سازد.

(تحف العقول ، ص 489)

16- وجود مؤمن :

«الْمُؤْمِنُ بَرَكَةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ حُجَّةٌ عَلَى الْكَافِرِ»:

مؤمن برای مؤمن، برکت و بر کافر، اتمام حجت است.

(تحف العقول، ص 489)

17- محصول اعمال :

«إِنَّكُمْ فِي آجَالٍ مَّنْقُوصَةٍ وَ أَيَّامٍ مَّعْدُودَةٍ وَ الْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً، مَنْ يَزْرَعُ خَيْرًا يَحْصِدْ غِبْطَةً وَ مَنْ يَزْرَعُ شَرًّا يَحْصِدْ نِدَامَةً، لِكُلِّ زَارِعٍ مَا زَرَعَ لَا يُسَبِّقُ بَطِيءٌ بِحَظِّهِ، وَ لَا يُدْرِكُ حَرِيصٌ مَا لَمْ يُقَدَّرْ لَهُ، مَنْ أُعْطِيَ خَيْرًا فَاللَّهُ أَعْطَاهُ، وَ مَنْ وُقِيَ شَرًّا فَاللَّهُ وَقَاهُ»:

شما عمر کاهنده و روزهای برشمرده ای دارید، و مرگ به ناگهان می آید، هر کس تخم خیری بکارد به خوشی بذرود، و هر کس تخم شرّی بکارد به پشیمانی بذرود. هر که هر چه بکارد همان برای اوست. گندکار را بهره از دست نرود و آزند آنچه را مقدرش نیست در نیابد، هر که به خیری رسد خدایش داده، و هر که از شرّی رهد خدایش رهانده.

(تحف العقول ، ص 519)

18- شناخت احمق و حکیم :

«قَلْبُ الْأَحْمَقِ فِي قَمِهِ وَ قَمُ الْحَكِيمِ فِي قَلْبِهِ»:

قلب احمق در دهان او و دهان حکیم در قلب اوست.

(تحف العقول ، ص 519)

19- تلاش برای رزق مقدر :

«لَا يَشْغَلُكَ رِزْقٌ مَّضْمُونٌ عَنْ عَمَلٍ مَّفْرُوضٍ»:

رزق و روزی ضمانت شده، تو را از کار واجب باز ندارد.

(حديقة الشّیعة: ج 2، ص 194، وافی: ج 4، ص 177، ح 42).

20- عزّت حقّ‌گرایى :

«ما تَرَكَ الْحَقَّ عَزِيزٌ إِلَّا ذَلٌّ، وَلَا أَخَذَ بِهِ دَلِيلٌ إِلَّا عَزٌّ»:

هیچ عزیزی حقّ را رها نکند، مگر آن که ذلیل گردد و هیچ ذلیلی به حقّ نیاویزد، مگر آن که عزیز شود.
(تحف العقول ، ص 520)

21- دوست نادان :

«صَدِيقُ الْجَاهِلِ تَعَبٌ»:

دوست نادان، مایه رنج است.

(دانش نامه عقاید اسلامی: ج 2 ص 130 ح) 1176

22- بهترین خصلت :

«خَصْلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ: الْأَيْمَانُ بِاللَّهِ وَ نَفْعُ الْإِخْوَانِ»:

دو خصلت است که بهتر و بالاتر از آنها چیزی نیست: ایمان به خدا و سود رساندن به برادران.
(تحف العقول ، ص 520)

23- نتیجه جسارت بر پدر :

«جُرْأَةُ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ فِي صِغَرِهِ تَدْعُو إِلَى الْعُقُوقِ فِي كِبَرِهِ»:

جرأت و دلیری فرزند بر پدرش در کوچکی، سبب عاق و نارضایتی پدر در بزرگی میشود.
(تحف العقول ، ص 520)

24- بهتر از حیات و بدتر از مرگ :

«خَيْرٌ مِنَ الْحَيَاةِ مَا إِذَا فَقَدْتَهُ أَبْغَضْتَ الْحَيَاةَ وَ شَرُّ مِنَ الْمَوْتِ مَا إِذَا نَزَلَ بِكَ أَحَبَبْتَ الْمَوْتَ»:

بهتر از زندگی چیزی است که چون از دستش دهی، از زندگی بدت آید، و بدتر از مرگ چیزی است که چون به سرت آید مرگ را دوست بداری.

(تحف العقول ، ص 520)

25- وابستگی و خواری :

«ما أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تُذِلُّهُ»:

چه زشت است برای مؤمن، دل بستگی به چیزی که او را خوار دارد.

(تحف العقول ، ص 520)

26- نعمت بلا :

«ما مِنْ بَلِيَّةٍ إِلَّا وَ لِلَّهِ فِيهَا نِعْمَةٌ تُحِيطُ بِهَا»:

هیچ بلائی نیست، مگر این که در آن از طرف خدا نعمتی است.

(تحف العقول ، ص 520)

27- اکرام بدون افراط :

«لا تُكْرِمِ الرَّجُلَ بِمَا يَشُقُّ عَلَيْهِ»:

هیچ کس را طوری اکرام مکن که بر او سخت گذرد.

(27 همان، ص 489).

28- ارزش پند پنهان :

«مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ، وَ مَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ»:

هر که در نهان، برادر خود را پند دهد او را آراسته، و هر که آشکارا برادرش را پند دهد او را کاسته.
(تحف العقول ، ص 520)

29- تواضع و فروتنی :

«الْتَوَاضِعُ نِعْمَةٌ لَا يُحْسَدُ عَلَيْهَا»:

تواضع و فروتنی، نعمتی است که بر آن حسد نبرند.
(تحف العقول، ص489 ، ص 520، ح 31)

30- سختی تربیت نادان :

«رِيَاضَةُ الْجَاهِلِ وَ رَدُّ الْمُعْتَادِ عَنْ عَادَتِهِ كَالْمُعْجَزِ»:

پرورش دادن نادان و ترک دادن معتاد از عادتش، مانند معجزه است.
(تحف العقول ، ص 520)

31- شادی بی جا :

«لَيْسَ مِنَ الْأَدَبِ إِظْهَارُ الْفَرَحِ عِنْدَ الْمَحْزُونِ»:

اظهار شادی نزد غمدیده، از بی ادبی است.
(تحف العقول، ص489)

32- جمال ظاهر و باطن :

«حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالُ ظَاهِرٍ، وَ حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالُ بَاطِنٍ»:
صورت نیکو، زیبایی ظاهری است، و عقل نیکو، زیبایی باطنی است.
(بحار الانوار، ج 78، ص 379)

33- کلید تمام گناهان :

«جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكَذِبُ»:
تمام پلیدی ها در خانه ای قرار داده شده و کلید آن دروغگویی است.
(بحار الانوار، ج 78، ص 377)

34- چشم پوشی از لغزش و یادآوری احسان :

«خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ نَسِيَ ذَنْبَكَ وَ ذَكَرَ إِحْسَانَكَ إِلَيْهِ»:
بهترین برادران تو کسی است که خطایت را نادیده گیرد و احسانت را یادآور شود.
(بحار الانوار: ج 71، ص 188، ح 15)

35- مدح نالایق :

«مَنْ مَدَحَ غَيْرَ الْمُسْتَحِقِّ فَقَدْ قَامَ مَقَامَ الْمُتَّهَمِ»:
هر که نالایقی را ثنا گوید، خود در موضعِ اتهام قرار گیرد.
(بحار الانوار، ج 74، ص 105.)

36- راه دوست یابی :

«مَنْ كَانَ الْوَرَعُ سَجِيَّتَهُ، وَ الْكَرَمُ طَبِيعَتَهُ، وَ الْجِلْمُ خُلَّتَهُ كَثُرَ صَدِيقُهُ»:

کسی که پارسایی خوی او، و بخشنده‌گی طبیعت او، و بردباری خصلت او باشد دوستانش بسیار شوند.
(تحف العقول: ص 489، س 17، بحارالأنوار: ج 75، ص 374، ح 24)

37- انس با خدا :

«مَنْ آتَسَ بِاللَّهِ اسْتَوْحَشَ مِنَ النَّاسِ»:

کسی که با خدا مأنوس باشد، از مردم گریزان گردد.
(مسند الامام العسکری، ص 287)

نکته: شاید برخی از خوانندگان برایشان سؤال (شبهه) پیش بیاید که چه طور ممکنه کسی با ایمان باشه وازمردم گریزان ، اگراین طوربود پیامبر باید مردم گریزترین آدم روی زمین می شد.
این سؤال به طور تفصیل توسط علامه محمودی در کتاب « نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة» پاسخ داده شده است. وی در ذیل روایت امام عسکری (علیه السلام) که فرمودند «مَنْ آتَسَ بِاللَّهِ اسْتَوْحَشَ مِنَ النَّاسِ»:
کسی که با خدا مأنوس باشد، از مردم گریزان گردد.
می گوید: بحث انزوا و دوری و وحشت از مردم، ناظر به مجالس باطل، صرف اوقات در لهو و لعب، غفلت، جهالت و غیبت و کارهای حرام دیگر است. ایشان کلامی از ابن میثم بحرانی شارح نهج البلاغه در این باره می آورد که سودمند است. (نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة ج 8 ص 107)

38- خرابی مناره ها و کاخ ها :

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَمَرَ بِهَذْمِ الْمَنَائِرِ وَ الْمَقَاصِيرِ الَّتِي فِي الْمَسَاجِدِ»:

هنگامی که قائم (علیه السلام) قیام کند، دستور به خرابی مناره ها و کاخ های مساجد دهد.
(الغیبة للشیخ الطوسی ، ص 133)

39- نماز شب، سیر شبانه :

«إِنَّ الْوُضُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ»:
وصول به خداوند عزوجل، سفری است که جز با عبادت در شب حاصل نگردد.
(مسند الامام العسکری، ص290)

40- ادبی بسنده :

«كَفَاكَ أَدَبًا تَجَنُّبُكَ مَا تَكْرَهُ مِنْ غَيْرِكَ»:
در مقام ادب برای تو همین بس که آنچه برای دیگران نمی پسندی، خود، از آن دوری کنی.
(مسند الامام العسکری، ص288)

منبع: موسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف)